

ارتباط بین خلاقیت و عملکرد دانش آموزان

عصمت عباسی

کارشناسی رشته آسیب شناسی، دانشگاه علمی کاربردی بم

طیبه قمری

کارشناسی ارشد الهیات، دانشگاه آزاد واحد بم

نیره بدرآبادی

کارشناسی علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان

چکیده

خلاقیت فرآیندی است مشتمل بر حساسیت به مسائل، کمبودها، تنگناها و ناهماهنگی که در پی تشخیص این مشکلات و کمبودها به وجود می آید و به دنبال آن جستجو برای یافتن راه حل هایی جهت دفع آن مشکلات می باشد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان نیز همان موفقیت تحصیلی آنها در دروس مختلف آنها می باشد. همین طور مشخص شد که هوش و خلاقیت دو عامل فکری جداگانه می باشند و تفکر همگرا یا تفکری که منجر به راه حل درست واحدی می باشد که براساس واقعیت های ارائه شده قابل کشف است مربوط به هوش و تفکر واگرا یا تفکری که در جهات مختلف سیر می کند و کمتر تحت انقیاد واقعیت های ارائه شد قرار می گیرد و منجر به راه حل های گوناگون می شود مربوط به خلاقیت می باشد خلاقیت دارای مراحل می باشد که شامل آماده سازی یا شناسایی و جمع آوری حقایق، دوره نهفتگی یا سازمان بندی اطلاعات بصورت ناخودآگاه، اشراق یا پدیده آها یا دریافتن راه حل مسأله به طور ناگهانی، اثبات یا سنجش مراحل قبل می باشد و برنامه ریزی آموزشی بیشتری روی مرحله آماده سازی و اثبات تأثیر دارد و کمتر روی مرحله نهفتگی و اشراق تأثیر دارد. همین طور عواملی دیگر مانند انگیزش، خویشن پذیری و نقش اطلاعات در خلاقیت تأثیر دارند. در واقع اطلاعات ماده خام خلاقیت می باشند و انگیزش و نیروی محرک نیز به کار اندازنده خلاقیت در انسان می باشد و خویشن پذیری نیز صفتی است که منجر به خلاقیت در افراد می گردد.

همین طور برای افراد خلاق یک سری ویژگیها ذکر شد از جمله کنجکاوی، پشتکار، نیاز به استقلال و شک گرایی، بازیگوشی فکری، اعتماد به نفس، آگاهی، شوخ طبعی و... و برای پرورش خلاقیت در کودکان و نیز پیشنهادهایی ارائه گردید از جمله احترام گذاشتن به سئوالات عادی و غیرعادی کودکان به سئوالات کودک باید طوری جواب داد که کودک را به سئوالات تازه هدایت کند، نشان دادن به کودکان که عقاید آنها با ارزش است و احترام گذاشتن به عقاید آنها و تدارک دیدن فرصتهای مناسب برای یادگیری مبتکرانه و قدردانی از این نوع یادگیری ها، همین طور گاهی اوقات لازم نیست که یادگیری کودکان را همیشه مورد ارزشیابی قرارداد چرا که به قول راجرز ارزشیابی در انسان احتیاج به دفاع را بر می انگیزد و این کار جلوی خلاقیت رامی گیرد، تکمیل کردن اشیاء و امور ناکامل توسط کودکان مشاهده اشیاء از نزدیک و دستکاری کردن آنها و پرورش کنجکاوی و خلاقیت آنها و احترام به تخیلات کودکان که می توانند منجر به خلاقیت در کودکان گردد. همین اولیاء مدرسه و معلمان نیز نقش مهمی در بارور کردن خلاقیت دانش آموزان دارند و باید طوری رفتار کنند که حس کنجکاوی و تفکر خلاق را در دانش آموزان رشد دهند. و دانش آموزان را با صمیمیت و به همان صورتی که هستند بپذیرند و محیطی را برای کودکان فراهم کنند که هم آزادی بیان و هم ارتباطات سالم را تأمین کند و محیطی که نه بیش از اندازه آزاد باشد و نه هم به صورت خیلی رسمی، چراکه در دو حال جلوی خلاقیت گرفته می شود.

واژگان کلیدی: نظام آموزشی، خلاقیت، عملکرد دانش آموزان.

مقدمه

دانش‌آموزان و همچنین افراد تحصیل کرده‌ی یک جامعه نیروی اصلی و پویا جهت پیشرفت آن جامعه است که با توجه به پیامدهای پیشرفت هر کدام چه جامعه و چه افراد جامعه، نتایج آن بسیار گرانبها و بهم مرتبط است. در این زمینه نقش عملکرد تحصیلی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت نیز به خوبی واضح است چرا که دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی بهتر، انگیزه پیشرفت بالاتر و بهتر نتیجه‌اش پویایی و پیشرفت جامعه است. با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، انفجار اطلاعات، افزایش جمعیت و... افراد می‌بایست برای رویارویی با مسائل و مشکلات روزافزون، آمادگی ارائه‌ی راهکارهای جدید را داشته باشند چرا که دنیای امروز نیازمند رویکردهای جدید است (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۹). جوامع پیشرفته و در حال پیشرفت تاکید بسیار زیادی بر عملکرد تحصیلی، رقابت و پیروزی دارند، و این تاکید گاه بیش از اهمیتی است که برای همکاری یا رضایت بخشی ارتباطات بین فردی قائل می‌شوند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵). بررسی متغیرهایی که با عملکرد تحصیلی در دروس مختلف رابطه دارد، یکی از موضوع‌های اساسی پژوهش در نظام آموزش و پرورش است. خلاقیت از آن دسته عواملی هستند که می‌توانند هم در نقش تسهیل کننده و هم در نقش بازدارنده عملکرد تحصیلی ظاهر شوند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا دانش‌آموزان در هر مقطعی که تحصیل می‌کنند برای مواجهه با تحولات هزاره سوم میلادی باید خلاقیت و مهارت‌های تفکر خلاق خود را برای تصمیم‌گیری‌های مطلوب و حل مسائل جامعه بهبود بخشند (ضربیان و همکاران، ۱۳۹۹). لذا با توجه به نقش خلاقیت بر عملکرد تحصیلی و انگیزه پیشرفت دانش‌آموزان بایستی تلاش نمود تا به وضوح رابطه خلاقیت دانش‌آموزان و عملکرد دانش‌آموزان مشخص گشته و بر این اساس بتوان بستری مناسب برای پیشرفت و افزایش میزان کارایی دانش‌آموزان به عنوان قشر آینده‌ساز جامعه فراهم نمود.

بیان مساله

یکی از عوامل تاثیرگذار بر پیشرفت هر جامعه نظام آموزشی و تعلیم و تربیت آن جامعه است. لذا از آنجا که در هر نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی به عنوان مهمترین شاخص توفیق فعالیت‌های علمی و آموزشی محسوب می‌شود، بررسی عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی نزد پژوهشگران علوم تربیتی و روانشناسی برخوردار است. پژوهش‌های صورت گرفته در مورد پیشرفت تحصیلی، عمدتاً بر روی نقش هوش متمرکز بوده است (چو، ۲۰۱۰). در این بین یکی از مسایل و مشکلات اساسی زندگی تحصیلی افراد و نظام آموزشی هر کشور، مساله‌ی پایین بودن سطح عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان آن کشور است. این پدیده، علاوه بر زیانهای هنگفت اقتصادی، سلامت روانی فراگیرندگان را مخدوش می‌نماید. منظور از افت عملکرد تحصیلی، کاهش عملکرد تحصیلی درسی فراگیرنده از سطح رضایت بخش به سطح نامطلوب است. در این بین عوامل مختلفی بر عملکرد تحصیلی افراد تاثیر می‌گذارند که متخصصان تعلیم و تربیت آنها را به چهار دسته شامل عوامل فردی، عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی و عوامل اجتماعی تقسیم کرده‌اند (سالاری، ۱۳۹۹).

از اهداف عمده‌ی تعلیم و تربیت، شکوفا کردن استعدادهای مختلف انسان می‌باشد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به استعداد ارائه راه‌حل‌های بدیع و نو برای مسائل متنوع اشاره کرد. بنابراین ایجاد زمینه برای حل مسئله و در نظر گرفتن راه‌حل‌های جدید برای آن نیز می‌تواند از جمله اهداف تعلیم و تربیت قرار گیرد. امروزه جامعه ما بیش از هر زمان دیگر به افراد خلاق نیاز دارد، میزان پیشرفت یک جامعه در گرو چگونگی تربیت و پرورش نسل جوان است. لذا با در نظر داشتن این مهم می‌توان، مسئله خلاقیت را از مهم‌ترین مسائل در قلمرو روانشناسی آموزشی دانست. خلاقیت به عنوان سازه‌ای که ارتباط تنگاتنگی با تعلیم و تربیت دارد اخیراً بسیار مورد توجه واقع شده است. در حالی که رویکردهای آموزشی رسمی عموماً سعی در گسترش تفکر همگرا دارند، یکی از اهداف رویکردهای

آموزشی اخیر رشد خلاقیت فردی می باشد. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می رسد خلاقیت مفهومی فراگیر بوده که جنبه های وسیع و مختلفی از زندگی و تحول روانی فرد را تحت تأثیر قرار می دهد. با شناخت همبسته های مرتبط با آن و ایجاد نیم رخ قابل پیش بینی تر می توان در تدوین برنامه های آموزشی و تعلیم و تربیت جهت افزایش تفکر واگرا در دو حیطه ی هیجانی و شناختی اقدام کرد (اوسپید و همکاران، ۱۳۹۹).

خلاقیت بعنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن ممکن است در مراحل بصورت کمون باقی بماند اما می توان آنرا دوباره احیاء کرد. خلاقیت واژه های است که اکثر محققان به تعریف و ترسیم افراد خلاق می پردازند. که آن می تواند به عنوان آفرینندگی حل مسئله تعریف شود. از آنجایی که پیشرفت تحصیلی و ظهور استعداد و خلاقیت دانش آموزان بدون وجود فاکتور میزانی از هوش در آنان میسر نیست لذا موضوعی که بیش از همه در ارتباط با خلاقیت اهمیت دارد، بحث رابطه ی آن با هوش دانش آموزان است. اما هنوز نتایج حاصل از این بررسی ها به قطعیت نرسیده است. لذا بر اساس مطالب ذکر شده در بالا هدف اساسی پژوهش حاضر بررسی رابطه خلاقیت دانش آموزان بر عملکرد دانش آموزان است، زیرا سبک رهبری صحیح باعث رشد و شکوفایی استعدادها، افزایش توانمندی کارکنان و افزایش اثربخشی سازمانها می شود. با توجه به اهمیت موضوع در این مقاله به بررسی رابطه بین خلاقیت دانش آموزان و عملکرد دانش آموزان پرداخته شده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

پیشرفت امروزه ی جهان مدیون تلاش های همه ی انسان ها در طول تاریخ است. انسان با توجه به پیچیدگی ها و دشواری های زندگی جهت رسیدن به رشد و پیشرفت در زمینه های گوناگون و فائق آمدن بر مشکلات و مسائل می بایست از توانایی های لازم و کافی برخوردار باشد. به عقیده میرز در عصری که کتاب های درسی به سرعت کهنه می شوند و نوآوری دائماً تجربه می شود، اهداف نهایی و کلی تعلیم و تربیت ناگزیر باید تغییر یابد. جایگاه منفعل فراگیران و تکیه بر پر کردن ذهن از اطلاعات دیگر جوابگوی نیازهای تربیتی نسل حاضر و آینده نخواهد بود. و برای تربیت صحیح فراگیران نیاز است تا آنها آزادانه، خلاقانه و نقادانه و به طور علمی بیندیشند. با پیچیدهتر شدن جهانی که در آن زندگی می کنیم نیاز به شناسایی و پرورش ذهن های خلاق روز به روز بیشتر می شود. بنابراین در شرایط کنونی خلاقیت موضوع مهمی در بحث روانشناسی مدرسه است (سیف درخشنده و همکاران، ۱۳۹۸). انسان در زندگی خود با سؤالات مختلف، تنگناها و موقعیت های تازه و نامشخص روبرو می شود که لزوم یافتن راه حل ها و کاربرد مؤثر آنها را ایجاد می کند. خلاقیت یک جنبه ی مؤثر از حل مسئله است. خلاقیت شناختی به افراد کمک می کند در مواجهه با مشکلات قدرت تمییز داشته باشند، تحلیل کنند و اعمال خود را بر اساس دانش پایه ریزی کنند (بکار و تارمیزی ۲۰۱۰، ۲).

خلاقیت ناشی از هیجانانگ آمادگی فرد را برای درگیر شدن در فعالیت های مختلف بهبود و ارتقا می بخشد، در این مواقع افراد در برابر موانع و مشکلات انعطاف پذیر می شوند. اگرچه مطالعات نشان می دهد عوامل متعددی بر خلاقیت تأثیر می گذارند. یکی از مؤلفه های کلیدی افزایش و توسعه خلاقیت و نوآوری انگیزه های درونی فرد و مهارت های مرتبط با خلاقیت و نوآوری می باشد که در واقع همان توانمندسازی روانشناختی می باشد (فروند و هالینگ ۲۰۱۶، ۳). از طرفی، بررسی عوامل پیش آیند و پس آیند عملکرد تحصیلی همواره از دغدغه های پژوهشگران نظام تعلیم و تربیت بوده است و در مطالعات متعدد این عوامل به تناسب اهمیت و تأثیر خود شناسایی و یا طبقه بندی شده اند. عملکرد تحصیلی به عوامل گوناگونی بستگی دارند که می تواند در شرایط خاصی عملکرد شخص را در محیط آموزشی تحت تأثیر قرار دهد (سالاری فر، ۱۳۸۸). از این لحاظ ضروری است که به بررسی رابطه هوش اخلاقی و مهارت های اجتماعی با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان پرداخته شود.

مبانی نظری نظریه ها و مکاتب روانشناسی درباره خلاقیت

در ارتباط با خلاقیت یک نظریه منحصر به فرد که مورد قبول همگان باشد وجود ندارد اما می توان نظریه ها را به دو دسته کلی تقسیم کرد: ۱- دیدگاه خواستگاهی ۲- دیدگاه فرآیندی

دیدگاه خواستگاهی: گروهی از روانشناسان و روانکاوان بیشتر به خواستگاه خلاقیت توجه کرده اند نه به فرایند آن از جمله نظریه پردازانی که با این دیدگاهها موافق اند در زیر آمده است.

نظریه روان تحلیلی

بنا به گفته زیگموند فروید (۱۹۵۹) خاستگاه خلاقیت در تعارضی است که در ذهن نیمه هوشیار وجود دارد. دیر یا زود ذهن ناخود آگاه ۴، راه حلی برای تعارض پیدا می کند. اگر این راه حل فعالیتی را تقویت کند که توسط خود یا بخش آگاه شخصیت تعیین شده است؛ نتیجه آن در رفتار خلاق مشخص می شود و اگر راه حل یاد شده با خود مغایر باشد آن را واپس می زند یا به صورت روان رنجوری ظاهر می شود. بر این اساس، روان رنجوری و خلاقیت از منبع مشترک که همان تعارض در نا خود آگاه است تغذیه می کنند شخص خلاق و روان نژند با یک نیرو یعنی انرژی نا خود آگاه رانده می شوند. بنا براین، شخص خلاق اندیشه های آزاد خیز نا خود آگاه را می پذیرد. او قدرت خود بر نهاد را کم کرده تا گرایش های آنی، تکانه های خلاق که از طریق ناخود آگاه بوجود آمده است را از آستانه خود آگاه عبور دهد. از طرفی فروید معتقد است که خلاقیت مخصوصاً خلاقیت هنری جایگزین بازی های کودکی است. تلاشی که برای حل تعارض ناخود آگاه انجام می گیرد نیز ناشی از تجارب کودکی است، به عبارتی نیازهای سر کوفته کودکی به صورت کار یا هنر تجلی می یابد. او معتقد است که فکر تازه سبب برخورد با تضاد ایجاد می شود و این همانند مکانیسم دفاعی است. در واقع خلاقیت نیز نوعی مکانیسم دفاعی است پس فرد برای ارضای سایق های خاصی دست به خلاقیت می زند تا تعادلی را که آن سابق به هم زده دوباره باز یابد (شفایی و مدنی، ۱۳۸۹).

نظریه روان تحلیلی جدید

بر خلاف فروید پیروان جدید فروید معتقدند که خلاقیت محصول ذهن نیمه هوشیار است نه ناخود آگاه، خلاقیت مستلزم آزادی موقتی نیمه هوشیار هم از فرآیندهای ذهن آگاه و هم نا آگاه است. تفاوت نیمه آگاه و خود آگاه این است که هنگامی که خود در راحتی است ذهن نیمه آگاه برای یادآوری باز است و تفکر خلاق هنگامی که بروز می کند خود به طور اختیاری و موقتی از برخی نواحی نیمه آگاه عقب نشینی می کند تا بعداً آن را به گونه ای مؤثر کنترل کند. خلاق کسی است که می تواند نسبت به دیگران با آزادی بیشتری از من نیمه هوشیار بهره برداری کند. ذهن نیمه هوشیار به دلیل آزادی در جمع آوری ایده ها و آرایش مجدد آنها سرچشمه خلاقیت به شمار می آید. به طور خلاصه، بی همتایی خلاقیت یعنی توانایی یافتن چیزهای تازه و ترکیب آنها بسته به میزانی که وظایف ذهن نیمه آگاه بتواند براین دو نگرهان ستمگر فعالیت کند (شفایی و مدنی، ۱۳۸۹).

شاپتال (۱۹۵۹) بر خلاف این عقیده که خلاقیت را ابراز سایق های درونی می دانند، معتقد است که خلاقیت نتیجه قدرت پذیرش بیشتر تجربه است. پذیرا بودن ذهن نسبت به تجربه مستلزم تحمل تعارض و ابهام، عدم معقولات فکری غیر قابل انعطاف و رد این عقیده که همه جوابها را می داند، است. اسکانل دو روش اصلی ادراک و یا ارتباط بین ذهن عو ۷ را از هم متمایز می کند. یکی خودمدار ۸ یا ذهن مرکز و به این خاطر ذهنی است، دیگری شیء مدار ۹ یا عین مرکز که سعی می کند هر چیزی را آن گونه که هست بفهمد. قاعدتاً ادراک خود مدار زمان نوزادی و کودکی، در نوجوانی و بزرگسالی جای خود را به شیء مدار می دهد. بنابراین، خلاقیت

عبارت است از توانایی پذیرا بودن در برابر جهان یعنی برتر دانستن درک شیء مداری و دیدن چیزها با تمامیت و واقعیتشان، نه بر اساس عادت و علاقه‌های شخصی از طرف دیگر، فقدان خلاقیت عبارت است از نپذیرفتن تجربیات

نظریه تداعی‌گرایی

در قرن نوزدهم، مکتب مسلط روانشناسی در انگلستان و آمریکا نظریه تداعی‌گرایی بود که ریشه آن به جان لاکبر ۱۰ می‌گردد. تداعی‌گرایی را می‌توان این گونه بیان کرد که: تفکر عبارت است از مرتبط نمودن ایده‌های ناشی از تجربه، بر اساس فراوانی، تازگی و وضوح، هر اندازه که دو ایده بیشتر، تازه‌تر و واضح‌تر با هم مرتبط باشند، وقتی یکی به ذهن می‌آید به احتمال زیاد دیگری نیز آنرا همراهی می‌کند. بر اساس نظریه تداعی‌گرایی، ایده‌های نو، از ایده‌های قدیمی و به وسیله فرآیند آزمون و خطا به وجود می‌آیند، فرد موقع روبرو شدن با مسأله‌ای، تلفیقی از ایده‌ها را یکی بعد از دیگری فرا می‌خواند تا آرایشی برای راهیابی پیدا کند. این ترکیب، ایده تازه او را شکل می‌دهد. بنابراین، تفکر خلاق عبارت است از: فعال کردن ارتباطات ذهنی به نحوی که یا ترکیب درست خود را بروز دهد و یا شخص از آن دست بردارد. لذا می‌توان گفت هر اندازه که شخص تداعی بیشتری حاصل کند، ایده‌های بیشتری در اختیار خواهد داشت (چو، ۲۰۱۰).

با این حال تداعی‌گرایی به سختی از عهده‌ی تبیین حقایق شناخته شده خلاقیت بر می‌آید. تفکر تازه، به معنای جدا کردن ایده‌های قبلی از زمینه و ترکیب کردن آنها به منظور ایجاد تفکر بکر و دست نخورده است. چنین تفکری، ارتباط موجود را نادیده گرفته و ارتباط منحصر به خود خلق می‌کند. ایده‌های تازه‌ی کودکی خلاق را به دشواری می‌توان به ارتباطات بین ایده‌های ناشی از تجارب گذشته او نسبت داد، زیرا که تجارب مشابه ممکن است نتوانند حتی اندیشه‌ی بکری در کودکی نسبتاً غیر خلاق به وجود آوردن. در واقع، شخص انتظار دارد که با تکیه بر ارتباطات گذشته، به تولید پاسخ‌های قابل انتظار و پیش پا افتاده‌ای نایل شود نه پاسخ‌هایی که بکرو دست نخورده هستند (شفایی و مدنی، ۱۳۸۹).

نظریه های انسانگرا

از نظر راجرز ۱۱ عبارت است از: «ظهور یک فرآورده ارتباطی نو ظهور در علم که از یک سو از بی‌همتایی فرد سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر از مواد، رویدادها، مردم با اوضاع احوال زندگی»، راجرز نیز معتقد است که انگیزه اصلی خلاقیت گرایش انسان در به فعالیت در آوردن خویشتن، کشش به سوی پیشرفت، رشد، پختگی گرایش به آشکار سازی و به کار انداختن همه قابلیت‌های ارگانیک با خویشتن است. بنابراین فرد خلاق کسی است که استعداد بالقوه انسان بودنش کامل است. بر مبنای رویکرد انسان‌گرایی شرایط درونی خلاقیت را نمی‌توان تحمیل کرد. برای رشد خلاقیت باید با ایجاد شرایط بیرونی، امکان ظهور توانایی بالقوه افراد را فراهم کرد. شرایط اصلی در این زمینه آزادی و امنیت روانی است. آزادی کامل زمانی محقق می‌شود که فرد درباره آن چه در ژرف‌ترین قسمت خویشتن هست بیندیشد، احساس کند و همان باشد. زمانی که فرد مورد پذیرش بی‌قید و شرط قرار گیرد؛ می‌فهمد که می‌تواند هر آنچه هست باشد. پس در او احساس امنیت به وجود می‌آید. مزلو ۱۲ خلاقیت را شامل دو حالت خلاقیت استعداد ویژه و خلاقیت خود شکوفایی می‌داند. لذا می‌توان این دو مفهوم را از یکدیگر تمییز داد. مفهوم خلاقیت استعداد ویژه را می‌توان با وجود روان‌رجوری‌ازبرنمود، اما مفهوم خلاقیت خود شکوفایی، تجلی شخصیتی سالم و یگانه یا به صورت شخصیتی که از روان‌جوری به سوی سلامتی روان سوق می‌یابد، است (به نقل از جعفریان، ۱۳۸۷). خلاقیت نوع ویژه‌ای از حل مسأله است. حل مسأله فعالیت عینی‌تر از آفرینندگی است و از آن هدف مشخص‌تری دارد. یعنی بیشتر بر واقعیت استوار است و هدف آن عینی و بیرونی است، در حالیکه

آفرینندگی بیشتر جنبه شخصی دارد و زیاده‌تر از حل مسأله به شهود و تخیل وابسته است، هسته اصلی تمام مفاهیم مربوط به آفرینندگی به راه‌های تازه، اصیل، مستقل و تخیلی اندیشیدن درباره انجام کارها می‌انجامد (ویمر و لوانت، ۲۰۱۱۳).

نظریه گشتالت و شناختگرایی

گونه‌ای دیگر از تبیین خلاقیت این است که، تفکر خلاق بازسازی گشتالت ۱۴ها یا الگوهایی است که از نظر ساختاری ۱۵ ناقص هستند. تفکر خلاق معمولاً با وضعیتی مسأله دار شروع می‌شود که جنبه‌ای ناتمام است. شخص این مشکل را به عنوان یک کل در نظر می‌گیرد، سپس پویایی ۱۶ خود مسأله نیروها و تنش‌های درون آن، خطوط فشار مشابهی را در ذهن به وجود می‌آورد. با دنبال کردن این خطوط فشار، راه حلی پیدا می‌کند که هماهنگی کل را به آن باز می‌گرداند. وی از طریق این فرآیند، نوعی اشتیاق ذاتی یعنی گرفتن الگویی کلی و با گرداندن نظم به آن را ارضاء می‌کند (فلدهوسن، ۱۹۹۵: ۱۷). طبق نظریه شناختی، خلاقیت به عنوان یک روش تازه در حل مسائل جدید است، حل مسائلی که شخص برای آن جواب مشخص ندارد، یعنی قبلاً راه انجام آن را یاد نگرفته است. تأکید شناخت گرایی بر استفاده از تجربه‌های قبلی در یادگیری است در حالی که نظریه گشتالت آن را به طور کامل رد می‌کند. وایزبرگ (۱۹۹۳: ۱۸) معتقد است خلاقیت همان افکاری است که ما هر روز از آن استفاده می‌کنیم. ما به راحتی می‌توانیم با استفاده از روش قدیمی چیز تازه ای تولید کنیم. شناخت گرایان و گشتالتی‌ها، فرآیند تفکر خلاق را بر مبنای کل گرایی توصیف می‌کنند، در حالی که کل، تنها وسیله ای برای تحقق خلاقیت می‌باشد. معمولاً درک کل موجب تفکر خلاق نمی‌شود، زیرا تفکر در نتیجه شناخت روابط در ارتباط با کل ایجاد می‌شود. به علاوه در بیشتر اوقات نیز بدون آنکه هنوز فرد، کل مسأله را در نظر داشته باشید موفق به تفکر خلاق با فرضیه‌ها و حدسه‌های هوشمندانه ای می‌شود. به طور خلاصه، نظریه گشتالت، آن نوع تفکر خلاق که فرد را وادار به پرسش سؤالاتی بکر می‌کند، تبیین نمی‌کند (فلدهوسن، ۱۹۹۵). عملکرد تحصیلی عملکرد تحصیلی تسلط و یادگیری فرد از مواد آموزشی آرایه شده در یک دوره تحصیلی خاص تعریف شده است. همچنین عملکرد تحصیلی به معنی توانایی دانش آموزان در پاسخ دهی به مسایل مربوط به موضوع یا موضوعات خاص پیش بینی شده برای یک دوره آموزشی است. به علاوه، عملکرد تحصیلی شامل ثبت کلیه ی فعالیت‌های شناختی فرد تحصیل کرده است که با یک سیستم درجه بندی مورد توافق با توجه به سطوح مختلف فعالیت‌های هیجانی و آموزشی و جدول زمانی سنجیده می‌شود و به عنوان فرآیند پیشرفت تحصیلی در نظر گرفته می‌شود. در میان رویکردهای مختلفی که به منظور بررسی عوامل تعیین کننده پیشرفت تحصیلی انتخاب شده است دو رویکرد مهم و اصلی وجود دارد که در چند سال اخیر مطرح شده است و بر فرآیندهای موثر بر عملکرد تحصیلی تأکید می‌ورزند. در رویکرد نخست، تأثیر فرایندهای محیط خانوادگی بر پیشرفت تحصیلی مطرح است و در رویکرد دوم از فرایندهای خاص دانش آموز نظیر خودتنظیمی و خودکارآمدی سخن به میان می‌آید (مرادی و همکاران، ۱۳۹۵).

امروزه یکی از مهمترین دغدغه‌های والدین و مربیان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. از آنجا که عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی در سازگاری‌های اجتماعی و جایگاه آنان در جامعه دارد، بنابراین ضروری می‌نماید که عوامل موثر و مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد. خانواده و مدرسه از جمله نهادهای اساسی جامعه بوده و ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. هر یک از این نهادها به نوبه ی خود عهده دار تربیت افراد و پرورش استعدادهای آنان می‌باشند. یادگیری اساس فعالیت در مدارس است، به عبارت دیگر، مدارس اساساً برای مدیریت یادگیری پدید آمده‌اند. یادگیری اثربخش، محور اصلی فعالیت در یک مدرسه است. در تجربه‌های جهانی، گزارش سال ۲۰۰۶ یونسکو از کیفیت آموزش و پرورش در جهان حاکی از موفقیت بسیاری از کشورها در از میان برداشتن پدیده در سطح مدارس خود است.

یکی از نظریه‌های پشتیبان یادگیری، نظریه‌ی یادگیری در حد تسلط ۱۹ است که بلوم ۲۰ ارایه داده است. رویکرد یادگیری در حد تسلط بر این باور مبتنی است که اکثر دانش آموزان می‌توانند آن چه در مدرسه باید به آنان بیاموزند، را یاد بگیرند. از این رو وظیفه مدارس، ایجاد انگیزه هر چه بیشتر برای یادگیری در دانش آموزان و پذیرفتن مسئولیت‌های هر چه بیشتر آنان در این زمینه است. عملکرد تحصیلی در واقع هدفی است که شخص برای رفتار آموزشی خود برمی‌گزیند، که به سه مقوله طبقه‌بندی می‌شود: الف) هدفهای تکلیف مدار ۲۱ که به تمایل فرد جهت کسب فهم، بینش و یادگیری اشاره می‌کند، ب) هدفهای بیرونی ۲۲ که بیانگر تلاش فرد در تکلیف یادگیری به منظور رسیدن به پیامدهای بیرونی، دریافت پاداش به شیوه‌های مختلف و اجتناب از تنبیه است و ج) هدفهای توانایی نسبی که به تمایل فرد جهت نشان دادن توانایی بالا با به دست آوردن قضاوت‌های مطلوب از توانایی‌های خود در برخورد با حیطه‌های مختلف در زندگی است و در دو مقوله‌ی شناختی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقوله‌ی شناختی در اصل ادراک فرد از لیاقت و شایستگی خود است که تا حدودی از عزت نفس و مسایل هیجانی و عواطف سرچشمه می‌گیرد. مقوله‌ی اجتماعی در ادراک فرد از شایستگی و مهارت‌های خود برای تعامل با سایرین اشاره دارد (تراش و همکاران، ۲۰۱۱۲۳). پژوهش‌های زیادی بر نقش موثر و ارتباطات نزدیک خانوادگی و احساس امنیت دانش آموزان در خانواده بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان، صحه گذاشته اند. این پژوهش‌ها و نمونه‌های دیگری از این قبیل، نشان می‌دهند که خانواده نیز می‌تواند به اندازه‌ی مدرسه و معلمان و شاید هم بیشتر از آن بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان تاثیر بگذارد. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دانش آموزانی که انگیزه پیشرفت بالایی دارند، از خانواده‌هایی برخاسته اند که گرایش‌های دموکراتیک دارد و دانش آموزانی که انگیزه پیشرفت کمتری دارند، کسانی بودند که از جانب پدرانشان مورد توجه و مراقبت شدید قرار گرفته بودند (رهنبرگ و همکاران، ۲۰۱۰۲۴).

اندیشه مشارکت مدرسه و خانواده و جامعه هم از جنبه‌ی نظری و هم عملی مهم است. نظریه سیستم‌های اجتماعی می‌گوید که مدرسه بخشی از یک نظام اجتماعی است متشکل از چند سیستم مرتبط با یکدیگر. بنابراین، شناسایی هر سیستم (برای مثال خانه، کلاس درس، مدرسه، منطقه‌ی آموزش و پرورش، فرهنگ و جامعه) و چگونگی ارتباط آن با زیست محیط‌کلان دانش آموز در فرآیند یاددهی-یادگیری بسیار ضروری است. تداوم و تعمیق رابطه‌ی میان خانه و مدرسه و جامعه- در حکم مهمترین سیستم‌های موجود- به منزله‌ی افزایش شانس دانش آموزان برای یادگیری و موفقیت تحصیلی است. در مدرسه، فرهنگ یادگیری، توسعه را هدایت می‌کند. فرهنگ یادگیری ۲۵ عبارتست از پذیرش مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها که عمل به آنها زمینه مناسب را برای یادگیری فراهم آورده و مورد پشتیبانی قرار می‌دهد. و باعث کارکرد تسهیل و روان سازی یادگیری می‌شود. فرهنگ یادگیری در مدرسه اثربخش با عشق به یادگیری مستمر در میان همه‌ی دست اندرکاران مدرسه تجلی می‌یابد، و حامی دانستن و پیشرفت علمی در درون مدرسه است و یاد گرفتن و عمل به یادگیری را تشویق می‌کند (رنجبر و همکاران، ۱۳۹۹). گروهی از متخصصین تعلیم و تربیت عوامل موثر بر پیشرفت تحصیلی را به دو دسته کلی تقسیم بندی کرده‌اند: ۱) عوامل بیرونی (محیطی): عوامل محیطی تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی شامل موقعیت یادگیری، جو اجتماعی مدرسه، جو عاطفی کلاسی، تاثیر گروه همسالان، جو خانواده و نظایر اینها می‌باشند.

۲) عوامل درونی (شخصی): عوامل شخصی تاثیرگذار بر پیشرفت شامل هوش، انگیزه‌ها، علاقه، انتظارات، اسنادهای مربوط به موفقیت و شکست، تیپ‌های شخصیتی، سبک‌های تفکر و غیره می‌باشد.

پیشینه تحقیق

در تحقیقی که انصاری نیکو و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «رابطه‌ی ادراک از محیط مدرسه و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره‌ی ابتدایی شهرستان امیدیه» انجام دادند. بیان داشتند که بین ادراک از فضای فیزیکی آموزشی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه‌ی مثبت و معنی داری وجود دارد. در

نهایت نتایج رگرسیون چندگانه همزمان نشان داد که فضای فیزیکی آموزشی و خلاقیت به صورت مثبت با عملکرد تحصیلی رابطه دارند.

در تحقیقی که ایوبی و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «رابطه بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس هوشمند و مدارس عادی شهر شیراز» انجام دادند. بیان داشتند که دانش آموزان خلاق با توجه به ویژگی‌هایی مانند: فرایندهای یادگیری سطح بالاتر و ادراک وسیع‌تر، اهمیت بیشتری نسبت به تحصیل داده و درکی بالاتر از موضوعات درسی نسبت به دانش آموزان غیر خلاق دارند. از این رو هم تلاش بیشتری از خود نشان می‌دهند و هم یادگیری این دسته از دانش آموزان نسبت به دیگران عمیق‌تر است. در نتیجه عملکرد تحصیلی بهتری خواهند داشت. در تحقیقی که صمیمی مهر و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «بررسی ارتباط بین مدیریت استعداد، خلاقیت دانش آموزان و عملکرد آموزشی» انجام دادند. بیان داشتند که مدیریت استعداد با تسهیل در جذب و نگهداری کارکنان مستعد که می‌توانند در شکوفایی و بهبود خلاقیت دانش آموزان تاثیر گذار بوده و از این طریق عملکرد تحصیلی را بهبود دهد. در تحقیقی که علیپور و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان «تأثیر تدریس به روش بحث گروهی بر افزایش خلاقیت و عملکرد تحصیلی درس علوم دانش آموزان پسر ششم ابتدایی شهر لارستان» انجام دادند. بیان داشتند که روش تدریس بحث گروهی در خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ششم در درس علوم تجربی نسبت به روش تدریس سنتی (سخنرانی) تاثیر بیشتری دارد. روش تدریس بحث گروهی در افزایش میزان مولفه های خلاقیت شامل سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری دانش آموزان پایه ششم در درس علوم نسبت به روش تدریس سنتی تأثیر بیشتری دارد. روش تدریس بحث گروهی در افزایش میزان بسط از مولفه خلاقیت دانش آموزان پسر پایه ششم در درس علوم نسبت به روش تدریس سنتی تأثیر ندارد.

در تحقیقی که انصاری نیکو و همکاران (۱۳۹۸) تحت عنوان «رابطه‌ی ادراک از محیط مدرسه و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره ی ابتدایی شهرستان امیدیه» انجام دادند. بیان داشتند که بین ادراک از فضای فیزیکی آموزشی و عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. همچنین بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه ی مثبت و معنی داری وجود دارد. در نهایت نتایج رگرسیون چندگانه همزمان نشان داد که فضای فیزیکی آموزشی و خلاقیت به صورت مثبت با عملکرد تحصیلی رابطه دارند

در تحقیقی که صالحی و همکاران (۱۳۹۸) تحت عنوان «تأثیر عملکرد خانواده و باورهای هوشی بر خلاقیت دانش آموزان» انجام دادند. بیان داشتند که عملکرد خانواده و باورهای هوشی بر خلاقیت دانش آموزان و عملکرد خانواده بر باورهای هوشی تاثیر مثبت و معناداری دارد و در جهت ارتقا خلاقیت دانش آموزان، بایستی به دو مقوله مهم عملکرد خانواده و باورهای هوشی توجه گردد.

در تحقیقی که سیف درخشنده و همکاران (۱۳۹۸) تحت عنوان «فرا تحلیل عوامل و موانع مرتبط با افزایش خلاقیت دانش آموزان» انجام دادند. بیان داشتند که از میان عوامل و موانع مورد بررسی، روش تدریس، راهبرد یادگیری، عامل تحصیل، عامل مدرسه، عامل معلم، عامل خانواده، مشارکت در فعالیت مدرسه، عزت نفس، انگیزش، زبان گویشی، باورهای معرفت شناختی، بازی، خودپنداره، منبع کنترل، خودکار آمدی، جایگاه مهار و سبک تفکر، رابطه معنادار با خلاقیت دانش آموزان داشتند و بنابراین تاثیر بالایی در افزایش خلاقیت داشتند و ویژگی های شخصیتی دانش آموزان، هوش، طبقه اجتماعی، یتیم بودن دانش آموزان، اضطراب، عامل مدیریت مدرسه، منابع و تجهیزات و فعالیت های هنری خلاقه رابطه معنادار با خلاقیت دانش آموزان نداشتند. بر این اساس تاثیر چندانی در افزایش خلاقیت دانش آموزان نداشتند. همچنین نتایج آزمون های T استودنت و تحلیل واریانس نشان داد که اندازه اثر جنسیت دانش آموزان و تحصیل در مقاطع مختلف تحصیلی، تأثیری در میزان خلاقیت دانش آموزان ندارد

در تحقیقی که صالحی و همکاران (۱۳۹۸) تحت عنوان «تأثیر عملکرد خانواده و باورهای هوشی بر خلاقیت دانش آموزان» انجام دادند. بیان داشتند که عملکرد خانواده و باورهای هوشی بر خلاقیت دانش آموزان و عملکرد خانواده بر باورهای هوشی تاثیر مثبت و معناداری دارد و در جهت ارتقا خلاقیت دانش آموزان، بایستی به دو مقوله مهم عملکرد خانواده و باورهای هوشی توجه گردد.

در تحقیقی که عالی پوربیرگانی و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان «رابطه علی ادراک فضای فیزیکی آموزشی با خلاقیت و عملکرد تحصیلی با میانجی گری سلامت روانی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان اهواز» انجام دادند. بیان داشتند که بین ادراک فضای فیزیکی و عملکرد تحصیلی، ادراک فضای فیزیکی و خلاقیت، سلامت روان و خلاقیت رابطه‌ی مستقیم معنی داری یافت نشد. همچنین رابطه‌ی غیر مستقیم ادراک فضای فیزیکی و عملکرد تحصیلی با میانجیگری سلامت روان معنی دار نشد. اما بقیه‌ی مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم معنی دار شدند.

در تحقیقی که سجادی منزله و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان «اثر بخشی الگوی خلاقیت درمانی بر ارتقای انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان» انجام دادند. بیان داشتند که الگوی بالینی خلاقیت درمانی توانسته است افزایش معناداری را در انگیزش درونی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان گروه آزمایش نسبت به کنترل به وجود آورد.

در تحقیقی که عبدالزاده و همکاران (۱۳۹۶) تحت عنوان «بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی و عملکرد تحصیلی با بهداشت روانی دانش آموزان در مدارس متوسطه شهرستان خوی» انجام دادند. بیان داشتند که کمک مشاورین و اساتید و متخصصین، انجام برنامه ریزی جامع، و مداخله، در امر ارتقاء سلامت روان جهت پیشگیری و درمان اختلالات روان شناختی برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مفید به فایده خواهد بود.

در تحقیقی که ده پهلوانی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «بررسی رابطه ی خلاقیت و سازگاری اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه پایه ی سوم تجربی و ریاضی شهرستان هرسین» انجام دادند. بیان داشتند که در خلاقیت و بعد انعطاف پذیری تفاوت معنادار به نفع دختران مشاهده شد و در سایر ابعاد تفاوت معناداری مشاهده نشده و در نهایت از بین سازگاری اجتماعی و ابعاد آن تنها سازگاری اجتماعی توان پیش بینی عملکرد تحصیلی را دارد و از بین خلاقیت و ابعاد آن تنها خلاقیت توان پیش بینی عملکرد تحصیلی را دارد.

در تحقیقی که کوهی نژاد و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «بررسی تاثیر جو عاطفی خانواده با خلاقیت هیجانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه ی ششم مقطع ابتدایی شهر قاینات در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵» انجام دادند. بیان داشتند که بین جو عاطفی خانواده در خلاقیت هیجانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه ی ششم مقطع ابتدایی شهر قاینات رابطه ی معناداری وجود دارد. و بین جو عاطفی خانواده در عملکرد تحصیلی دانش آموزان پایه ی ششم مقطع ابتدایی شهر قاینات رابطه ی معناداری وجود دارد. همچنین بین جو عاطفی خانواده در خلاقیت هیجانی دانش آموزان پایه ی ششم مقطع ابتدایی شهر قاینات رابطه ی معناداری وجود دارد.

در تحقیقی که چگنی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «مقایسه نگرش نسبت به خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه پنجم مدارس هوشمندسازی شده و عادی» انجام دادند. بیان داشتند که بین نگرش نسبت به خلاقیت در مدارس هوشمندسازی شده و عادی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین عملکرد تحصیلی در مدارس هوشمندسازی شده و عادی رابطه معنادار وجود دارد از یافته ای این پژوهش می توان نتیجه گرفت که مدارس هوشمندسازی شده سهم قابل توجهی در نگرش نسبت به خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دارند.

در تحقیقی که مرادی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «رابطه خلاقیت انگیزش تحصیلی و مهارتهای شناختی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان» انجام دادند. بیان داشتند که بین ابعاد خلاقیت با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت و معنی داری داشت در مورد دانش آموزان پسر هیچیک از ابعاد خلاقیت با عملکرد تحصیلی رابطه‌ی معنی داری نداشت اما در مورد دختران تمام ابعاد خلاقیت با عملکرد تحصیلی رابطه مثبت معنی داری داشت بین فقدان انگیزش با عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر و دختر رابطه منفی معنی داری بدست آمد.

در تحقیقی که مرادی و همکاران (۱۳۹۵) تحت عنوان «رابطه سرمایه اجتماعی و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه مدارس روستایی شوشتر» انجام دادند. بیان داشتند که بین خلاقیت با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. بین سرمایه اجتماعی با عملکرد تحصیلی در دانش آموزان رابطه مثبت معنی داری وجود دارد.

خلاقیت

یکی از ویژگی‌ها و صفات شناختی که در مباحث مختلف مورد توجه محققین و پژوهشگران قرار گرفته است ویژگی خلاقیت است با توجه به مشکلات مختلفی که دنیای امروز با آن دست به گریبان است توجه به تفکر انتقادی و عامل پیش‌بینی کننده‌ها یعنی خلاقیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در بین روانشناسان توافقی که حاکی از نظر مشترک پیرامون تعریف خلاقیت باشد وجود ندارد. در واقع گستردگی تعریف، نشأت گرفته از دیدگاه‌های گوناگون روان شناختی از این پدیده است. خلاقیت فرآیندی از خلاق بودن است، مجموعه‌ای از اعمال که ایده‌ها افکار و اشیاء فیزیکی جدیدی را به وجود می‌آورد (پانگ، ۲۰۰۲۶). آلدِر "در کتاب چگونه هوش خلاق را تعریف کنیم؟"، خلاقیت را این گونه تعریف کرده است:

- چیزی است که هنر پیشگان دارند.
- یک نگرش غیر معمول یا بدیع به مسایل است.
- تداعی با عناصر شناختی منفک با ایده هاست.
- فرآیندی که به محصول با ارزش می‌انجامد.
- یک استعداد یا صفت خاص حاصل شده‌ی مغزی به عنوان یک نظام پیچیده است.
- فرآیندی که چیزی را جدید و با ارزش می‌کند.
- ویژگی‌ها و خصوصیات بی‌همتایی از آنچه که فرد به آن معنا می‌دهد.

فراهانی (۲۰۱۴) نیز خلاقیت را شامل آفرینش چیزی جدید و مفید می‌داند. یکی از نظریه پردازانی که تحقیقات گسترده‌ای در رابطه با خلاقیت انجام داده است. تورنس، سه تعریف برای خلاقیت در سه زمینه پژوهشی، هنری و وابسته به بقاء مطرح کرده است. به نظر وی تعریف پژوهشی خلاقیت عبارت است از فرآیند حس کردن مشکلات و مسایل، شکاف در اطلاعات، عناصر گم شده چیزهای ناجور، حدس زدن و فرضیه سازی درباره این نواقص و ارزیابی و آزمودن این حدسها و فرضیه ها، تجدید نظر کردن و دوباره آزمودن آنها و بالاخره انتقال نتایج. تورنس در تعریف هنری خلاقیت به مصادیقی اشاره می‌کند که برخی از مصادیق عبارتند از: خلاقیت مانند خواستن دانستن است، خلاقیت مانند دوباره نگاه کردن است، آفرینندگی مانند خط زدن خطاهاست، آفرینندگی مانند خواندن به سبک خود است. تورنس در تعریف خلاقیت "وابسته به بقاء" خلاقیت را عبارت از قدرت کنار آمدن با موقعیت‌های دشوار و خطرناک می‌داند، وقتی که شخص هیچ راه حل از پیش آموخته شده‌ای ندارد. گانیه خلاقیت یا آفرینندگی را نوعی حل مسأله می‌داند که تازگی

نتایج تفکر آفریننده از ویژگی‌های آن است. در نظریه گیلفورد آفرینندگی بر حسب تفکر واگرا تعریف شده است. گیلفورد (۱۹۵۰) معتقد است خلاقیت مجموعه‌ای از توانایی‌ها و خصیصه‌هاست که موجب تفکر خلاق می‌شود. ورنون (۱۹۸۹) خلاقیت را توانایی شخص در ایجاد ایده، نظریه‌ها، بینش‌ها یا اشیای جدید و بازسازی در علوم و سایر زمینه‌ها می‌داند که بوسیله متخصصان به عنوان پدیده‌ای ابتکاری و از لحاظ علمی، زیبا شناسی، فناوری و اجتماعی با ارزش قلمداد می‌شود. سیمونتون خلاقیت را توانایی تولید ایده‌های اصلی و سازگارانه می‌داند. معمولاً برای خلاقیت چهار بعد در نظر گرفته می‌شود که عبارتند از (ویمر و لوانت، ۲۰۱۱۲۸):

۱- سیالی: در این بعد فکر درگیر عقایدی است که در یک حیطه خاص ذهنی و فکری شامل تعدادی جواب و عقیده ممکن است. بنابراین، بیشترین ایده و بیشترین تداعی صرف نظر از صحت آنها مورد نظر است.

۲- انعطاف پذیری: فردی که دارای ویژگی انعطاف پذیری است همیشه راه‌های گوناگون را مورد آزمایش قرار می‌دهد، اگر آجری به او نشان دهند می‌تواند کاربردهای مختلفی برای آن پیشنهاد می‌کند. وی غالباً به کاربردهای غیر معمول چیزها می‌اندیشد. فرد خلاق در صورت تغییر شکل و یا مطرح کردن آن از بعدی دیگر، قدرت و توانایی لازم را برای تغییر در جهت فکر خود دارد.

۳- بسط: آفرینش‌گری تنها شامل ابداع نیست، بلکه در برگیرنده ابداعی است که به صورت موفقیتی خلاق تحقق می‌یابد. از این رو، آفرینش‌گر نه تنها دارای ایده‌های تازه است، بلکه آنها را تعقیب نیز می‌کند.

۴- ابتکار (اصالت) یا تازگی: ابتکار از وسیع‌ترین ویژگی‌های آدمی است. این ویژگی در برگیرنده توانایی‌هایی مانند: ابراز عقیده، رهیابی و استفاده از چیزها یا موقعیت‌ها به روش غیر معمول است. این وسعت نظر در آفرینش‌گری صحبت از ابتکار را در قالب اصطلاحات ویژه دشوار می‌سازد.

هدف از تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق، بررسی رابطه خلاقیت دانش آموزان با عملکرد دانش آموزان است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های والدین و مربیان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. از آنجا که عملکرد تحصیلی دانش آموزان نقش مهمی در سازگاری‌های اجتماعی و جایگاه آنان در جامعه دارد، بنابراین ضروری می‌نماید که عوامل موثر و مرتبط با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد بررسی قرار گیرد.

روش تحقیق:

روش مطالعه در این تحقیق به صورت مطالعه کتابخانه‌ای بوده است. روش‌های کتابخانه‌ای (مطالعه کتب منتشره در خصوص خلاقیت و عملکرد دانش آموزان، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های انجام یافته مرتبط با موضوع پژوهش، مقالات منتشره در مجلات علمی و پژوهشی و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی) بکار گرفته شده است.

نتیجه گیری

با توجه به بررسی صورت گرفته بین خلاقیت با تحصیلی عملکرد رابطه معنی داری وجود دارد. بعبارتی می توان بیان داشت که هوش هیجانی بر عملکرد تحصیلی در واقع سازهایی هستند مستقل اما با یکدیگر ارتباط بسیار دارند. وجود هوش هیجانی و احساس در انسان واقعیتی انکارناپذیر است

و در انسان نیم کره راست مغز مربوط به هیجانی هوش است هیجانی هوش که مواردی از قبیل علاقه به شادی، ترس از تحقیر و غیره. هوش هیجانی توانایی آگاه بودن از خود، درک و فهم خود و دیگران توانایی مواجه شدن با هیجانات شدید و مدیریت خود و ... است. جان انیل هوش هیجانی را چنین تعریف می کند: هوش هیجانی نوع دیگری از هوش است این هوش مشتمل بر شناخت احساسات خویشتن و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیم های مناسب در زندگی است توانایی اداره ی مطلوب خلق و خوی و وضع روانی و کنترل تکانش هاست و عاملی است که به هنگام شکست ناشی از دست نیافتن به هدف در خود ایجاد امید و انگیزه می کند هم حس یعنی آگاهی از احساسات افراد پیرامون شماست. نظریه پردازان می گویند که هوش هیجانی در واقع به ما می گوید که چه کار می توانیم انجام دهیم هوش هیجانی یعنی داشتن مهارت تا بدانیم چه کسی هستیم و چه افکار، احساسات، عواطف و رفتاری داریم یعنی شناخت عواطف خود و دیگران تا بتوانیم بر اساس آن رفتاری مبتنی بر اخلاق و شایستگی داشته باشیم. بر اساس مطالعات گوناگون از عواملی که میتواند به عنوان زمینه ای مرتبط با عملکرد تحصیلی در نظر گرفته شود میزان هوش افراد است. به این معنی، زمانی که فرد توان هوشی خود را در حد انجام یک تکلیف می بیند عاملی می شود که بر میزان انگیزش او تاثیرگذار می شود هرچند که در این بین عواملی میتوانند این میزان اثرگذاری را کاهش یا افزایش دهند. انگیزه پیشرفت عبارتست از میل یا علاقه به موفقیت کلی یا موفقیت در یک فعالیت خاص. بعضی افراد دارای انگیزه سطح بالایی هستند و در رقابت با دیگران برای کسب موفقیت به سختی تلاش می کنند. در مقابل، برخی دیگر انگیزه چندانی برای پیشرفت و موفقیت ندارند و از ترس شکست، آماده خطر کردن برای کسب موفقیت نیستند. به هر حال، این نیاز افراد را برای رسیدن به موفقیت در رقابت با معیار برتری، با انگیزه میکند (فراهانی، ۲۰۱۴). انگیزه پیشرفت را به عنوان میل یا اشتیاق برای کسب موفقیت و شرکت در فعالیتهایی که موفقیت در آنها به کوشش و توانایی شخصی وابسته است، تعریف کرده است. افراد دارای خلاقیت سطح بالا برای حل مشکلات و رسیدن به موفقیت بسیار کوشا و جدی هستند، در صورت شکست، دست از تلاش بر نمی دارند و تا رسیدن به موفقیت به کوشش خود ادامه می دهند. در رابطه با این که خلاقیت بالا به موفقیت می انجامد یا این که موفقیت موجب بالا رفتن سطح انگیزه میشود، پژوهش ها نتایج قاطعی را به دست نداده اند. آن چه که مشخص شده این است که خلاقیت در ابتدا تحت تأثیر تجربه های فرد در خانواده است. یعنی هر چه تجربه های موفقیت آمیز فرد در خانواده بیشتر باشد، خلاقیت وی بالاتر است. پس از آن که فرد وارد مدرسه شد و تجارب بیشتری کسب نمود، در این شرایط موفقیت و انگیزش پیشرفت روی یکدیگر اثر می گذارند. به عبارت دیگر، افزایش موفقیت باعث افزایش تحصیلی عملکرد می شود که در مقابل، انگیزش پیشرفت بالا نیز باعث موفقیت بیشتر می شود. به طور کلی می توان بیان داشت زمانی که فرد از سطح هوشی بالاتری برخوردار باشد فرد میزان توانمندی های خود را به نحو بهتری برای دستیابی به موفقیت ها و کامیابی ها مورد استفاده قرار می دهد. و همچنین این میزان هوش در فرد بر روی اعتماد به نفس و ایمان فرد به توانمندی های خویش اثرگذار خواهد بود و منجر می شود که فرد در راستای رسیدن به اهدافش هر چه بیشتر مصمم تر شود و انگیزش بیشتری در خود ایجاد نماید چرا که زمینه دستیابی به اهداف را در خود می بیند

منابع

- اوسپید، م.، رئیس، م.، ایرانی، ع. (۱۳۹۹). بررسی رابطه خلاقیت و ویژگی های شخصیتی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان رودان. دومین کنفرانس ملی یافته های نوین یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس.
- انصاری نیکو، م.، شجاع، ف.، راخداپور، م.، چمن نژادیان، ا.، حاجت پور، م. (۱۳۹۸). رابطه ای ادراک از محیط مدرسه و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان دوره ای ابتدایی شهرستان امیدیه، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
- ایوبی، ف.، آموزگار، م. (۱۳۹۹). رابطه بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان مدارس هوشمند و مدارس عادی شهر شیراز، پنجمین کنفرانس بین المللی علوم انسانی و آموزش و پرورش با محوریت توسعه پایدار، تهران.
- چگنی، س.، کریمی، ج. (۱۳۹۵). مقایسه نگرش نسبت به خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه پنجم مدارس هوشمندسازی شده و عادی، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز.
- حافظ نیا، م. (۱۳۹۶). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت.
- ده پهلوانی، م.، ده پهلوانی، ز. (۱۳۹۵). بررسی رابطه خلاقیت و سازگاری اجتماعی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان متوسطه پایه ی سوم تجربی و ریاضی شهرستان هرسین، همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی، تهران.
- رنجبر، غ.، رنجبری کهنی، ث.، دهقانی، ک. (۱۳۹۹). تاثیر خلاقیت در آموزش و یادگیری دانش آموزان، دومین کنفرانس ملی یافته های نوین یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس
- سالاری، ط. (۱۳۹۹). بررسی تاثیر خلاقیت بر یاددهی و یادگیری دانش آموزان، دومین کنفرانس ملی یافته های نوین یاددهی-یادگیری در دوره ابتدایی، بندرعباس
- سجادی، ح.، پیرخانی، ع. (۱۳۹۶). اثربخشی الگوی خلاقیت درمانی بر ارتقای انگیزه و عملکرد تحصیلی دانش آموزان. نشریه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال چهارم شماره ۱۶، صص ۳۹-۴۸.
- سیف درخشنده، س.، نریمانی، م. (۱۳۹۸). فراتحلیل عوامل و موانع مرتبط با افزایش خلاقیت دانش آموزان. فصلنامه روان شناسی مدرسه، سال هشتم شماره ۳، صص ۱۰۹-۱۲۶.
- شفایی، م.، مدنی، ر. (۱۳۸۹). اصول طراحی فضاهای آموزشی کودکان براساس مدل خلاقیت. نشریه علمی پژوهشی فناوری آموزش، ۲-۲۲۲، (۳)۴
- صالحی، م.، حسینی درونکلایی، ز.، نازک تبار، ه. (۱۳۹۸). تاثیر عملکرد خانواده و باورهای هوشی بر خلاقیت دانش آموزان. کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.

صمیمی مهر، ح.، ابولپور، ا.، غارتپوری، ا. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین مدیریت استعداد، خلاقیت دانش آموزان و عملکرد آموزشی، کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.

ضرابیان، ف.، پیری، ش. (۱۳۹۹). رابطه آموزش مجازی و خلاقیت دانش آموزان پیش دبستانی ارومیه، هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.

عالی پوربیرگانی، س.، شهنی بیلاق، م.، بهاروندی، ف. (۱۳۹۷). رابطه علی ادراک فضای فیزیکی آموزشی با خلاقیت و عملکرد تحصیلی با میانجیگری سلامت روانی و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ششم ابتدایی شهرستان اهواز، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران (با رویکرد فرهنگ مشارکتی)، تهران.

عبدل زاده، ف.، زینالپور، ج. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین خلاقیت هیجانی و عملکرد تحصیلی با بهداشت روانی دانش‌آموزان در مدارس متوسطه شهرستان خوی، چهارمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، قم.

علیپور، غ.ر. (۱۳۹۹). تأثیر تدریس به روش بحث گروهی بر افزایش خلاقیت و عملکرد تحصیلی درس علوم دانش آموزان پسر ششم ابتدایی شهر لارستان، اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در فرایندهای تعلیم و تربیت، میناب

کوهی‌نژاد، ع.، محمدی، ع. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر جو عاطفی خانواده با خلاقیت هیجانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه‌ی ششم مقطع ابتدایی شهر قاینات در سال تحصیلی ۱۳۹۴-۹۵، نخستین همایش ملی برنامه ریزی و تحول نظام آموزشی، قم.

مرادی، ش.، عسکری، پ. (۱۳۹۵). رابطه سرمایه اجتماعی و خلاقیت با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم مقطع متوسطه مدارس روستایی شوشتر، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی، شادگان.

مرادی، ر.، منصور خاکی، ز. (۱۳۹۵). رابطه خلاقیت انگیزش تحصیلی و مهارتهای شناختی با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.

موسوی، ف.، رضایی، ع.، سیفی، ا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان (مطالعه موردی: دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان کرمانشاه)، اولین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی ایران، تهران.

Bakar, K., &Tarmizi, A. (۲۰۱۰ Relationships between university students' achievement.(motivation,attitude and academic performance in Malaysia.Journal of Proscenia Social and

,Behavioral Sciences ۴۹۰۶،۲-۴۹۱۰.

) Cho, S۲۰۱۰). ,The role of IQ in the use of cognitive strategies to learn information from a map

,Learning and Individual Differences ۲۰ (۶), ۶۹۴-۶۹۸.

) Freund, P. A ., &Holling, H. ۲۰۱۶). Who wants to take an intelligence test? Personality and achievement motivation in the context of ability testing. Journal of Personality and Individual

,Differences ۵۰, ۷۲۳-۷۲۸.

) Farahani, MV. ۲۰۱۴). The relationship of locus of control , extraversion, neuroticism with the academic achievement of Iranian Students. A thesis submitted in fulfillment of the requirements

.for degree of doctor of philosophy. The University of New South Wales, Australia

) Hazen, Benjamin and Terry Anthony۲۰۱۲Toward creating competitive advantage with logistics.(

.information technology . International Journal of Physical Distribution & Logistics Management . Vol۴۲. . No۱. ۸-۳۵

Mommersteeg, M. C., Denollet, J., Kavelaars, A., Vermetten, E., &Heijnen, C. (۲۰۱۱)Type D.(Personality, Temperament, and Mental Health in Military Personnel Awaiting

.Deployment.International Journal of.Behavior andMedicine ۱۸, ۱۳۱-۱۳۸.

) Pang, J. S۲۰۱۷). ,The achievement motive: A review of theory and assessment of Achievement

.hope of success, and fear of failure. In O. C. Schulte's& J . C. Bronstein (Eds.), Implicit motives (pp

۳۰-۷۰). .New York, NY: Oxford University Press

Rheinberg, F., &Engeser, S. (New York, ۲۰۱۰ .Motive training and motivational competence. In O. C.(.Schultheiss& J. C. Brunstein (Eds.), Implicit motives (pp۵۱۰-۵۴۸). NY: Oxford

.University Press

) Thrash, T. M., Cassidy, S. E., Maruskin, L. A ., & Elliot, A. J۲۰۱۰). Factors that influence the relation



دهمین همایش ملی

تازه های روانشناسی مثبت



.between implicit and explicit motives: A general implicit -explicit congruence framework. In O. C

Schultheiss & J. C

Wimer, D., & Levant, R. (2011) The Relation of Masculinity and Help-Seeking Style with the (

Academic Help -Seeking Behavior of College Men. The Journal of Men's Studies 14, 256-274.

Ziegler, M., Schmukle, S., Egloff, B., & Bühner, M. (2010) Investigating measures of achievement (

motivation(s). Journal of Individual Differences 31 (1), 15-21.